

فصلنامه حقوق اداری (علمی - پژوهشی)

سال پنجم، شماره ۱۴، بهار ۱۳۹۷

بررسی قابلیت حقوق مالکیت ادبی و هنری در حمایت از نمودهای

فرهنگ عامه

دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۱۷

پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۰

زینب غفوری^۱

چکیده

بخش عمده مصادیق نمودهای فرهنگ عامه یا فولکلور را ادبیات و ترانه‌ها، طرح‌ها و نقش‌ها، موسیقی و غیره دربرمی‌گیرد؛ از این‌رو، چندان شگفت‌آور نیست اگر در استفاده از قابلیت‌های نظام مالکیت فکری، حقوق ادبی - هنری را به عنوان نخستین قالب برگزینیم؛ چرا که موضوعات مورد حمایت آن، قرابتی بسیار با آثار فولکلوریک دارد. این آثار را می‌توان در دسته‌های گوناگون مورد حمایت حقوق ادبی و هنری از قبیل: آثار ادبی، موسیقایی، هنرهای تجسمی و غیره قرار داد و ممکن است در بدو امر این‌گونه به نظر برسد که نظام مزبور به نحوی مطلوب می‌تواند این نمودها را مورد حمایت قرار دهد کما اینکه برخی از نظام‌های حقوقی نیز این رویکرد را برگزیده و شباهتی تام، میان این دو برقرار کرده‌اند. با این وجود، تدقیق در پیش‌شرط‌های حمایت در نظام حقوق ادبی - هنری، این واقعیت را آشکار می‌سازد که به‌رغم شباهت اولیه میان موضوعات حمایت؛ نمودهای فرهنگ عامه فاقد بسیاری از شروط اولیه و بنیادین اثر قابل حمایت در نظام ادبی و هنری هستند. پدیدآوردگی، دارندگی حقوق، اصالت و ابتکار، ثبوت در قالب مادی و محدودیت طول مدت حمایت از آثار، همگی از اصول بنیادین این نظام حقوقی هستند که حمایت بر پایه آن‌ها اعطا می‌شود. در مقابل، نمودهای فرهنگ عامه با هیچ‌یک از این شروط حمایت تطبیق نمی‌یابند. به‌رغم این مشکلات، بسیاری از صاحب‌نظران و حقوق‌دانان تلاش نموده‌اند مفاهیم پیش‌گفته را با توجیهاتی گوناگون بر نمودهای فرهنگ عامه نیز تطبیق دهند و از این طریق، با تغییراتی اندک، نمودهای مربوطه را تحت گستره حمایتی نظام حقوق ادبی و هنری قرار داده و از مزایای آن بهره بگیرند. با این حال به نظر می‌رسد به‌رغم شباهت موضوعات، شروط حمایت در نظام پیش‌گفته را به سختی می‌توان در مورد نمودهای فولکلوریک احراز کرد؛ علاوه بر این، هدف از حمایت برای این دو دسته از آثار با یکدیگر بسیار متفاوت است. این تفاوت‌ها در عمل، نه تنها موجب ورود استثنائات بسیار بر نظام ادبی - هنری برای جا دادن آثار فولکلور به عنوان موضوعات قابل حمایت در این نظام خواهد شد؛ بلکه در نهایت نتیجه‌ای مطلوب نیز به دست نخواهد داد؛ از این‌رو، به نظر می‌رسد تحمیل آثار فولکلوریک بر نظام حقوق ادبی - هنری برای هیچ‌یک از دو سوی رابطه سودی نخواهد داشت و مطلوب‌تر آن است که درصدد طراحی یک نظام حمایتی ویژه برای این موضوعات برآییم.

کلیدواژگان: نمودهای فرهنگ عامه، فولکلور، حقوق ادبی و هنری، شروط ماهوی حمایت.

۱. دکترای حقوق خصوصی از دانشگاه شهید بهشتی؛ عضو انجمن پژوهشگران پیشین مؤسسه حقوق مالکیت فکری و رقابت مکس پلانک آلمان؛ zeinab.ghafouri@alumni.ip.mpg.de

مقدمه

هنگامی که سخن از حمایت حقوقی از نموده‌های فرهنگ عامه یا فولکلور به میان می‌آید؛ نظام حقوق مالکیت فکری و در رأس آن، نظام حقوق ادبی و هنری به عنوان اصلی‌ترین گزینه‌ی ساز و کارهای حمایت حقوقی مطرح می‌شود. دلیل این امر را نیز باید در شباهت موجود میان آثار تحت حمایت نظام حقوق ادبی و هنری و اکثر نموده‌های فرهنگ عامه جست. نقاشی‌های سنتی، مجسمه‌ها، طرح‌ها و ترسیمات به عنوان آثار هنری؛ نمایشنامه‌ها، رقص‌ها و افسانه‌های قومی به عنوان آثار ادبی و آوازاها و ترانه‌های قومی به عنوان آثار موسیقایی، نمونه‌هایی از آن دسته از نموده‌های فرهنگ عامه هستند که می‌توانند مشمول قوانین ادبی و هنری قرار گیرند. این مطلب می‌تواند بر اساس شباهت‌هایی که بین نموده‌های فولکلور و آثار حمایت شده در قوانین ادبی و هنری وجود دارد، توجیه شود؛ به عنوان مثال، در هر دو از ابزار مشابهی برای ایجاد و بهره‌برداری از اثر استفاده می‌شود.^۱

از همین روست که بسیاری از نظام‌های حقوقی، حمایت از نموده‌های فرهنگ عامه را در قوانین حمایت از آثار ادبی و هنری گنجانده‌اند. قوانین برخی از کشورها، حمایت را برای موضوعی در نظر گرفته‌اند که آن را «آثار فولکلور»^۲ می‌نامند؛ برخی دیگر به سادگی، عبارت «فولکلور» را به کار برده و البته بعضی نیز عبارتی که سازمان جهانی مالکیت فکری مناسب می‌داند یعنی «نموده‌های فولکلور»^۳ را مورد استفاده قرار داده‌اند.^۴ حتی برخی از قوانین ملی به اندازه‌ای در تشبیه نموده‌های فرهنگ عامه به آثار ادبی و هنری پیش می‌روند که هیچ مقررات ویژه‌ای را برای حمایت از این آثار در نظر نمی‌گیرند؛ لذا به نظر می‌رسد مقررات کلی راجع به حمایت از آثار ادبی و هنری در مورد آنها قابل اعمال باشد.^۵

1. Kuruk, Paul, Protecting Folklore under Modern Intellectual Property Regimes: A Reappraisal of the Tensions Between Individual and Communal Rights in Africa and the United States, American University Law Review 48, 1999, p.24

2. Works of Folklore

3. Expressions of Folklore

4. International Bureau of WIPO, Intellectual Property Protection of Expressions of Folklore: Attempts at the International Level, 1998, p.2

5. Ibid., p.3

بنابراین، وجود شباهت بین برخی از نمودهای فرهنگ عامه و آثار ادبی و هنری، این قابلیت را به نظام حقوق ادبی و هنری می‌دهد که در قالب و حدود امکانات و ظرفیت‌های خود، نمودهای مزبور را نیز مورد حمایت قرار دهد؛ از این رو، میزان و نوع حمایتی که تحت نظام حقوق ادبی و هنری ارائه می‌شود، تابع قانون کشوری است که حمایت در آن جستجو می‌شود. با این حال، حمایت تحت این نظام، خالی از اشکال نبوده و با محدودیت‌هایی مواجه است که از شروط حمایت و مؤلفه‌های آثار تحت حمایت در این نظام ناشی می‌شود و ذیلاً در بررسی قابلیت‌های نظام حقوق ادبی و هنری در حمایت از نمودهای فرهنگ عامه باید به آن‌ها توجه کرد.

۱. پدیدآوردگی و دارندگی

۱-۱. پدیدآوردگی^۱

در نظام حقوق ادبی و هنری به‌ویژه در کشورهای پیروی نظام حقوق نوشته، شخص پدیدآورنده و حمایت از حقوق وی از جمله حقوق مادی و معنوی، از اهمیت بسیار برخوردار است. در این نظام، اصولاً پدیدآورنده اثر کسی است که اثر را خلق کرده و معمولاً نیز نام او روی اثر درج شده یا به طریقی دیگر مورد اشاره قرار گرفته باشد. این معیار در قانون مالکیت فکری فرانسه^۲ نیز ذکر شده است. در نظام‌های کامن‌لا نیز نهاد پدیدآوردگی پذیرفته و شناسایی شده است؛ هر چند به اندازه نظام حقوق نوشته به آن بها داده نمی‌شود؛ بدین ترتیب، نخستین گام در حمایت از یک اثر، تعیین پدیدآورنده آن است.

ردیابی مبدأ و منشأ بسیاری از نمودهای فرهنگ عامه به این دلیل که دو یا چند دسته از مردم یا جوامع در خلق این نمودها، سهیم هستند؛ همچنین به دلیل اینکه پدیدآورنده آن مشخص نیست مشکل است؛ از طرفی، برخی گروه‌های بومی حقیقتاً انتساب پدیدآوردگی را به یک انسان یا گروهی

1. Authorship

2. France Intellectual Property Code, Article L113-1

از افراد، گستاخانه می‌دانند؛^۱ بنابراین یکی از مشکلات مهم در تخصیص حمایت حقوق ادبی و هنری به نمودهای فولکلور این است که معمولاً امکان تشخیص و تعیین پدیدآورنده اثر وجود ندارد. درباره پدیدآورندگی نمودهای فرهنگ عامه، نظریه‌های گوناگونی وجود دارد. طرفداران نظریه جمعی بودن پدیدآورندگی در این نمودها، آن را محصول جامعه و گروهی از افراد می‌دانند و در مقابل، برخی عقیده دارند پدیدآورنده یک نمود فولکلور همانند سایر آثار، یک شخص واحد است که با گذشت زمان، نام وی از یاد رفته و در حقیقت این عده معتقد به فردی بودن پدیدآورندگی در نمودهای فولکلور هستند.

طرفداران نظریه جمعی بودن پدیدآورندگی معتقدند که نمی‌توان گفت نمود فولکلور با همکاری دو یا چند پدیدآورنده مشخص به وجود آمده است و در حقیقت، همکاری هر یک از پدیدآورندگان، مجزا از همکاری سایر پدیدآورندگان نیست. اساساً یکی از عوامل موجود در رشد، توسعه و تشکیل فولکلور، بی‌نام و نشان بودن پدیدآورنده آن است. اکثر نمودهای فرهنگ عامه، محصول جامعه یا به طور کلی گروه است نه اشخاص. با این حال، این امکان وجود دارد که یک نمود فولکلور مثلاً یک ترانه مردمی، مبدأ و سرچشمه خود را از یک فرد گرفته باشد؛ اما ویژگی فولکلور بودنش را به دست نمی‌آورد؛ مگر زمانی که تحت سازماندهی مجدد جامعه‌ای قرار گیرد که پدیدآورنده به آن تعلق دارد. بدین ترتیب، این عده، فولکلور را انعکاسی از هنر غالب جامعه و تقلید می‌دانند و قدرت خلق دسته جمعی اثر را برای جامعه قائل هستند.^۲

برخی محققان، بالعکس نظریه جمعی بودن پدیدآورندگی در نمودهای فرهنگ عامه را رد کرده و معتقدند پدیده‌های فرهنگی به طور کلی، آفریده‌هایی فردی هستند؛ حتی اگر تغییراتی روی آنها به وجود آمده و توسط جامعه جذب شده و به صورت دارایی فرهنگی آن در آمده باشند. در جوامع بومی، اغلب دو یا سه نفر بر روی یک اثر واحد کار می‌کنند و نتیجه، اثری جمعی خواهد بود؛ اما در برخی جوامع، سنت این است که شخصی که آغازگر انتخاب یک طرح اجدادی برای به تصویر کشیده شدن

1. Dutfield, Graham, Protecting Traditional Knowledge and Folklore, A review of progress in diplomacy and policy formulation, UNCTAD-ICTSD Project on IPRs and Sustainable Development, Issue Paper No.1, 2003, p.25

2. UNESCO Committee of Experts on the Legal Protection of Folklore, Study of the Various Aspects Involved in the Protection of Folklore, Tunis, 11-15 July 1977, p.5

است؛ همیشه به عنوان پدیدآورنده شناخته خواهد شد، حتی اگر ساینرین او را در این امر کمک نمایند. در چنین مواردی، امکان شناسایی یک پدیدآورنده وجود دارد؛^۱ بنابراین یکی از اعضای جامعه در زمانی مشخص، شیء ویژه‌ای را ایجاد می‌کند که بعدها به واسطه‌ی قبول از سوی جامعه و پیروی نسل‌های بعدی از آن، به صورت فولکلور درمی‌آید؛ لذا ممکن است هویت شخصی که آن را خلق کرده است حتی پس از آنکه به صورت فولکلور آن جامعه درآمد، با آن همراه باشد. این نکته روشن می‌سازد که برای اینکه یک شیء و موضوع را فولکلور بدانیم؛ لزومی ندارد که پدیدآورنده‌ی آن ناشناس باشد؛^۲ هر چند که واقعیت این است که در اغلب موارد نمی‌توان ردی از نام و نشان پدیدآورنده یافت.

طرفداران این نظریه تصدیق می‌نمایند که در بسیاری از موارد، پدیدآورنده، ناشناخته است؛ اما استدلال می‌کنند که این بدین دلیل است که در جریان انتقال نمود فولکلور از نسلی به نسل دیگر و بر اثر گذشت زمان، نام وی تصادفاً فراموش شده است و در حقیقت این مطلب، اهمیت چندانی ندارد؛ چرا که پدیدآورنده به هر حال وجود داشته و آنچه که خلق کرده اگرچه بی نام است؛ اما متعلق به وی خواهد ماند؛ از این رو گمنام بودن پدیدآورنده، امری تصادفی است؛ لذا این جمعی از مردم نیستند که نمود فرهنگ عامه را خلق می‌نمایند؛ بلکه اشخاصی معین، پدیدآورنده اثر هستند و اثری را که خلق می‌نمایند توسط جامعه اخذ و اقتباس شده و سپس انتقال می‌یابد.

البته انتقاداتی نیز به این نظریه وارد شده است؛ از جمله اینکه نمی‌توان گفت بدون نام منتقل شدن اثر، به دلیل مفقود شدن تصادفی نام پدیدآورنده است و هم‌چنان که نمود فرهنگ عامه در طی زمان توانسته به طور شفاهی منتقل شود؛ نام پدیدآورنده نیز می‌توانسته به همراه آن انتقال یافته و حفظ شود؛^۳ از طرفی به نظر می‌رسد در نمودهای فولکلور، صرف پدیدآوردن مادی اثر، موجب انتساب آن به پدیدآورنده نمی‌شود؛ زیرا منشأ ایده و ابتکار، توده است نه شخص. نمود فولکلور اگرچه

1. Puri, Kamal, Is Traditional or Cultural Knowledge a Form of Intellectual Property?, Oxford Electronic Journal of Intellectual Property Rights, 2000, p.15-16

2. Kutty, Valsala G., National Experiences With the Protection of Expressions of Folklore/Traditional Cultural Expressions: India, Indonesia and the Philippines, Published as WIPO document: WIPO/GRTKF/STUDY/1, 2002, p.9

3. UNESCO Committee of Experts on the Legal Protection of Folklore, op.cit., p.4

ممکن است زمانی توسط یک شخص پدید آمده باشد؛ اما به طور مرتب در فرآیند خلق مجدد توسط اعضای آن جامعه قرار می‌گیرد تا حدی که به طور کلی با اثر آفریده شده اول، متفاوت خواهد بود و ردپای نخستین پدیدآورنده در آن محو می‌شود و اساساً عدم امکان تعیین پدیدآورنده‌ای مشخص از ویژگی‌های ذاتی نمودهای فولکلور است.

از این رو گفته شده است که نمودهای فولکلور در ابتدا توسط اشخاص خلق شده‌اند و سپس به طور جمعی مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گرفته‌اند و این استفاده جمعی در طی مدت زمان طولانی، شناسایی و نقش اشخاص در آفرینش نمودهای فرهنگ عامه را از آن سلب می‌کند.^۱

با پذیرفتن هر یک از دو نظریه فوق، مفاهیمی از نظام حقوق ادبی و هنری بر نمودهای فولکلور قابل تطبیق به نظر می‌رسند. چنانچه قائل به نظریه جمعی بودن پدیدآورندگی در نمودهای فرهنگ عامه باشیم؛ یکی از مفاهیمی که در ابتدا به ذهن می‌رسد؛ مفهوم «همکاری در پدیدآورندگی» و یا پدیدآورندگی جمعی و مشترک^۲ است و چنین آثاری را «آثار محصول همکاری»^۳ چند پدیدآورنده می‌دانند. به طور کلی می‌توان گفت این نوع پدیدآورندگی در هر دو نظام کامن‌لا و حقوق نوشته، پذیرفته شده و از جمله در ماده ۶ قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب سال ۱۳۴۸ و قوانین مالکیت فکری انگلیس^۴ و فرانسه^۵ مورد اشاره قرار گرفته است. با این حال به دلیل عدم وجود فرد پدیدآورنده مشخص در نمودهای فرهنگ عامه، اعمال مفهوم خلق اثر با همکاری چند پدیدآورنده، سودی ندارد؛ زیرا پدیدآورندگان همکار نیز به هر حال چند پدیدآورنده مستقل و مشخص و قابل تعیین هستند که تصمیم به خلق اثر با همکاری یکدیگر و بر اساس برنامه‌ای مشترک گرفته‌اند. اگرچه برخی ادعا می‌کنند که بعضی از نمودهای فرهنگ عامه می‌بایست در مرحله‌ای، دارای یک «پدیدآورنده» بوده باشند؛ اما همان طور که گفته شد اکثر نمودهای فرهنگ عامه، «پدیدآورنده» به مفهومی که در نظام‌های حقوق ادبی و هنری تعریف می‌شود، ندارند؛ لذا در

1. Mould-Iddrisu, Betty, Preservation and Conservation of Expressions of Folklore: The Experience of Africa, UNESCO-WIPO World Forum on the Protection of Folklore, Thailand, 1997, p.4

2. Joint Authorship

3. Work of Collaboration

4. UK Copyright, Designs and Patents Act of 1988, S. 10

5. Article L113-2

مقاله ۴. بررسی قابلیت حقوق مالکیت ادبی و هنری در حمایت از نمودهای فرهنگ عامه ۸۳

خصوص نمودهای فرهنگ عامه در حقیقت با آثار بدون نام بدین مفهوم که پدیدآورنده‌ای وجود دارد؛ اما هویت وی ناشناخته است نیز سر و کار نداریم.^۱ بدین ترتیب، حتی مفهوم اثر بدون نام که در قوانین بسیاری از کشورها پذیرفته شده است، نیز نمی‌تواند به طور کامل، بر مشکل عدم وجود پدیدآورنده شخصی در فولکلور فائق آید؛ زیرا اولاً طول مدت حمایت در مورد آثار بدون نام نیز به هر حال محدود است؛ ثانیاً معمولاً در برخی نظام‌ها درباره این آثار، این است که ناشر اثر، نماینده پدیدآورنده و در نتیجه، دارنده حقوق اثر تلقی می‌شود؛^۲ مانند قانون مالکیت فکری فرانسه.^۳ بدین جهت، این راهکار نیز نمی‌تواند به حمایت مطلوب از جامعه بومی و سنتی که دارنده اصلی فولکلور است منجر شود؛ بنابراین قواعد مربوط به آثار بدون نام، جایگزین مناسبی به نظر نمی‌رسند. اساسی بودن شرط پدیدآورندگی در نظام حقوق ادبی و هنری و فقدان آن در مورد نمودهای فولکلور موجب شده است که راهکار دیگری برای تحت حمایت قرار دادن این نموها تحت نظام مربوطه جستجو شود؛ از این رو، برخی کشورها در قوانین خود، خالقان و پدیدآورندگان نمودهای فرهنگ عامه را با عنوان «پدیدآورندگان ناشناس»^۴ تحت حمایت قرار داده و یا «اجتماع‌ها»^۵ یا دسته‌ای از آنها^۶ را پدیدآورندگان نمودهای فولکلور دانسته^۷ و بدین وسیله در حقیقت، نمودهای فولکلور را از شرط داشتن پدیدآورنده‌ای معین معاف نموده‌اند.

۲-۱. دارندگی^۸

در نظام‌های حقوق ادبی و هنری اعم از کامن‌لا و حقوق نوشته، حقوق مادی اثر متعلق به کسی است که به طور کلی فرض می‌شود پدیدآورنده بوده و نامش بر روی اثر آشکار شده است.^۹

1. WIPO, Consolidated Analysis of the Legal Protection of Traditional Cultural Expressions/Expressions of Folklore, WIPO Background Paper No.1, 2004, p.39

2. Von Lewinski, Silke, The Protection of Folklore, Cardozo Journal of Int'l & Comp. Law, Vol.11, 2003, p.758

3. Article L113-6

4. Unknown Authors

5. Communities

6. Groups of Communities

7. International Bureau of WIPO, op.cit., p.3

8. Ownership

۹. از جمله در ماده‌ی L113-1 قانون مالکیت فکری فرانسه که اختصاص به تعیین دارندگان حقوق دارد، به عنوان یک قاعده کلی، پدیدآورنده‌ی اثر، مالک حقوق مربوط به آن دانسته شده است؛ همچنین در ماده ۱۱ قانون کپی‌رایت، طرح‌ها و اختراعات ۱۹۸۸ انگلیس، پدیدآورنده‌ی اثر به عنوان اولین دارنده‌ی حقوق شناخته شده است. البته در هر دو قانون، استثنائاتی نیز در این

با این وجود، تفاوت‌هایی بین این دو نظام وجود دارد؛ از جمله اینکه در نظام حقوق نوشته، اثر در ملکیت پدیدآورنده است؛ اما در نظام کامن‌لا صحبت از دارندگی مجموعه‌ای از حقوق است.^۱ به هر ترتیب، هدف قوانین مربوط به مالکیت‌های ادبی و هنری در حقیقت تشویق و پاداش دادن به خلاقیت‌های شخصی است. به همین جهت، حقوق ادبی و هنری به عنوان منافی فرض می‌شوند که می‌توان آنها را داد و ستد نمود. در مقابل، دیدگاه بومی و سنتی، منافع جامعه را به عنوان یک کل، بر منافع شخص ترجیح می‌دهد؛ بنابراین دارندگی فولکلور در فرهنگ بومی، یک پدیده جمعی است. دارندگی نمود فرهنگ عامه، معمولاً در اختیار متولیان آن جامعه است که مجوز استفاده از آن را با درنظر گرفتن و لحاظ مجموعه‌ای از مقررات سنتی به اشخاص عضو جامعه اعطا می‌کنند؛ بنابراین، متولیان هستند - نه پدیدآورندگان شخصی - که محدودیت‌هایی را برای تکثیر و استفاده از نمودهای فولکلور تعیین می‌کنند.^۲ در جوامع بومی سنتی، نظام پیچیده‌ای از حقوق بر مالکیت دارایی‌های فرهنگی بومی حاکم است. تفاوت مهم میان مفهوم بومی و غیربومی مالکیت، توزیع حقوق میان گروه‌ها در جوامع بومی است. مالکیت آثاری خاص ممکن است در اختیار عضو و یا اعضای از یک خاندان معین باشد؛ در حالی که حقوق مربوط به استفاده از آن ممکن است متعلق به اشخاص متعدد دیگری برای اهدافی متعدد باشد؛^۳ بنابراین در جوامع سنتی، مالکیت، در موضوعی که اصالتاً توسط نیاکان و اجداد به دست آمده است؛ اشاره به حقوق تمام اعضای جامعه دارد و نمی‌تواند به صورت یک جانبه توسط هیچ‌یک از اعضای گروه از جمله رهبر آن انتقال داده شود.^۴

رابطه وجود دارد از جمله در مورد آثار پدیدآمده تحت استخدام یک شخص حقیقی یا حقوقی که شخص مزبور دارنده‌ی حقوق خواهد بود مگر اینکه خلاف آن توافق شود.

۱. در مواد L113-2 به بعد قانون مالکیت فکری فرانسه، از واژه‌ی ملک (Property) استفاده شده است؛ در حالی که در ماده‌ی ۱۱ قانون کپی‌رایت، طرح‌ها و اختراعات ۱۹۸۸ انگلیس، پدیدآورنده، دارنده‌ی کپی‌رایت است و از مالکیت وی سخنی به میان نیامده است.

2. Githaiga, Joseph W., Intellectual Property Law and the Protection of Indigenous Folklore and Knowledge, Murdoch University Electronic Journal of Law, Volume 5, No.2, 1998, p.3-4

3. Puri, Kamal, Preservation and Conservation of Expressions of Folklore, Copyright Bulletin Vol. 32, No.4, 1998, UNESCO Publishing, p.13

4. Paul Kuruk, op.cit., p.26

بنابراین مالکیت و دارندگی حقوق در جوامع بومی و سنتی به همان مفهومی که در نظام‌های کامن‌لا یا حقوق نوشته مالکیت فکری به کار می‌رود، نیست؛ اگرچه جوامع سنتی و بومی، قواعد مالکیت فکری خاص خود را دارند؛ اما این قواعد به اندازه‌ای با قواعد موجود در این نظام‌ها متفاوت هستند که نمی‌توان آنها را منطبق بر یکدیگر دانست. با این اوصاف، تعیین دارنده‌ای که حقوق ادبی و هنری را بتوان برای او در نظر گرفت مشکل و گاه ناممکن است؛ چرا که امکان تعیین شخصی به عنوان دارنده حق وجود ندارد و حتی بزرگان و رؤسای یک قوم یا اجتماع سنتی، خود را متولی و امانت‌دار آن نمود فرهنگ عامه می‌دانند نه مالک و ذیحق؛ همچنین این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که در بسیاری از موارد، اساساً مفهوم مالکیت را در رابطه با این نمودها، بی‌معنی تلقی می‌کنند و گاه نیز آن را چنان با منشأ و مبادی ماورایی پیوند می‌دهند که دارندگی و مالکیت آن متعلق به انسان‌ها و افراد جامعه نخواهد بود؛ بدین ترتیب، عدم امکان تعیین دارنده‌ی حق از دیگر مشکلاتی است که در اعمال حقوق ادبی و هنری نسبت به نمودهای فولکلور وجود دارد.

از طرفی در برخی موارد، مشکلی در رابطه با پذیرش اصل مفهوم «دارندگی» و «مالکیت» در این جوامع وجود ندارد؛ بلکه مشکل اصلی از آنجا ناشی می‌شود که به دلیل عدم امکان تعیین شخص پدیدآورنده، دارنده حقوق مربوط به آن اثر را نیز نمی‌توان معین کرد و یک قوم، جامعه و ملت، مالک آن نمود فرهنگ عامه هستند؛ بنابراین سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که در غیاب یک شخص معین به عنوان پدیدآورنده و دارنده حق، چه کسانی حق طرح دعوا را دارند؟ به پرسش مزبور آن چنان که باید در متون قانونی و منابع پرداخته نشده است؛ زیرا اساساً دارنده حق در مورد نمودهای فولکلور در این منابع تعیین نشده است. با این‌همه، پاسخ‌های متعددی را می‌توان برای آن فرض نمود. یکی از گزینه‌های ممکن، تعیین مقام و مرجعی در قانون است که به نمایندگی از دارندگان نمودهای فولکلور، حقوق مربوط به این نمودها را اعمال کند. به عنوان مثال، مطابق بند ۲ ماده ۴ قانون کپی‌رایت ۲۰۰۵ غنا، اعمال این حقوق به رئیس‌جمهور به نمایندگی از مردم جمهوری غنا محول شده است.

راهکارهای دیگری را نیز می‌توان پیشنهاد کرد؛ از جمله ایجاد سازمان‌های غیردولتی فعال در زمینه حمایت و حفاظت از نمودهای فولکلور و یا نهادی که توسط خود جامعه بومی و سنتی برای

اعمال حقوق آن، تعیین و معرفی شود. در نظام حقوقی ایران به نظر می‌رسد بتوان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری را به عنوان یکی از گزینه‌های ممکن برای اعمال حقوق مربوط به این آثار پیشنهاد نمود.

۲. اصالت^۱

در حقوق ادبی و هنری لازم است که یک اثر، اصیل باشد یعنی «سبک خلاقانه، منحصر به فرد و متمایز» پدیدآورنده را داشته باشد؛^۲ بنابراین اصالت به این معنا است که پدیدآورنده، ویژگی‌های ذهنی و فکری لازم مانند کار، مهارت و تلاش خود را در خلق اثر به کار برده باشد.^۳

مفهوم اصالت به‌ندرت در قوانین داخلی کشورها تعریف شده و اکثراً به تفاسیر قضایی واگذار شده است. هیچ دیدگاه دقیقی و معینی نه در نظام کامن‌لا و نه در نظام حقوق نوشته در مورد اینکه اصالت چه معنایی دارد وجود ندارد. با این حال، این دیدگاه‌ها و تعاریف گوناگون در برخی نکات با یکدیگر اشتراک دارند. یکی از نکات مشترکی که در هر دو نظام در مورد اصالت یک اثر وجود دارد این است که اثر باید از شخص پدیدآورنده نشأت بگیرد.^۴ به علاوه در هر دو نظام، اثر، هنگامی «اصیل» است که درجه‌ای از تلاش فکری و ذهنی در آن وجود داشته و نسخه‌برداری نشده باشد. در نظام کامن‌لا نیز وجود میزان نسبتاً کمی از خلاقیت برای تحقق شرط اصالت، ضروری است.^۵

چنان که گفته شد، تعیین یک شخص به عنوان کسی که بتواند ادعای پدیدآورندگی کند؛ نمود فرهنگ عامه را داشته و آن را از طریق نسل‌های مختلف در جامعه منتقل کرده باشد، مشکل است. کاملاً آشکار است که اگرچه امکان دارد واقعاً یک شخص، یک اثر خاص فولکلور را پدید آورده باشد؛ اما نهایتاً این اثر در اختیار جامعه قرار گرفته و توسط افراد آن استفاده شده و تدریجاً با گذشت زمان، خصیصه‌های فردی خود را از دست داده است. به‌عنوان مثال، تمام جنبه‌های فولکلور - که احتمالاً در

1. Originality

2. Joseph Githaiga, op.cit., p.5

3. Bently, Lionel, Sherman, Brad, Intellectual Property Law, Oxford University Press, Second Edition, 2004, p.88

4. Palethorpe, Stephen, Verhulst, Stefaan, Report on the International Protection of Expressions of Folklore Under Intellectual Property Law, Programme in Comparative Media Law and Policy, University of Oxford, 2000, p.28

5. WIPO, op.cit., p37

اصل، محصول افراد مشخصی بوده‌اند - توسط مردم اخذ شده و در یک فرآیند خلق مجدد قرار داده می‌شوند که از طریق دگرگونی‌های پیوسته و تکرار، تبدیل به یک محصول گروهی می‌شود. به همین دلیل، تعیین اولین پدیدآورنده نمود فولکلور که بتوان خلاقیت و ابتکار موجود در اثر را به او نسبت داد، کاری شاق است و حتی اگر بتوان این کار را انجام داد، هنوز اثبات این مسأله که اثر، محصول تلاش مستقل پدیدآورنده آن است مشکل به نظر می‌رسد؛^۱ بنابراین از آنجایی که فولکلور معمولاً مبتنی بر سنت‌های از پیش موجود و «ناشی از یک فرآیند غیرشخصی آهسته و مداوم فعالیت خلاقانه است که از طریق تقلیدهای متوالی، ادامه پیدا می‌کند»؛ شرط اصالت به معنای مقرر در نظام‌های کامن‌لا یا حقوق نوشته مالکیت فکری در مورد آن تحقق نمی‌یابد.^۲ سازمان جهانی مالکیت فکری نیز در مطالعات خود به این نکته اشاره می‌کند که ماهیت ذاتی و حقیقی بسیاری از نموده‌های فرهنگ عامه این است که تکرار شده و مبتنی بر سنت هستند و میدان برای تفسیر و ابراز خلاقیت‌های شخصی محدود است؛^۳ از این رو، شاید بتوان گفت اساساً اصالت، امری است که در خصوص نموده‌های فرهنگ عامه نمی‌تواند تحقق یابد و با ذات آن تناقض دارد؛ چرا که نمود فرهنگ عامه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و هدف از این انتقال، حفظ آن در طی زمان و ارائه به نسل‌های آتی است؛ از این رو سعی بر این است که بی‌کم‌وکاست و یا حداقل با ایجاد تغییراتی اندک در آن انتقال صورت گیرد. ناگفته نماند که شرط اصالت به‌عنوان مانعی برای آثار مبتنی بر فرهنگ عامه که آثار جدید ساخته شده توسط نسل حاضر جامعه و مبتنی بر یا الهام گرفته از طرح‌های بومی یا سنتی از پیش موجود هستند، نخواهد بود؛ چرا که این آثار، همانند تمام آثار ادبی و هنری باید اصالت داشته باشند و خلاقیت و ابتکار پدیدآورنده آن که از اعضای کنونی جامعه و قابل شناسایی است، مشهود باشد.^۴

1. Paul Kuruk, op.cit., p.28

2. Kamal Puri, (1998), op.cit., p.16

3. Joseph Githaiga, op.cit., p.5

4. WIPO, op.cit., p.37

۳. تثبیت در قالب مادی^۱

تثبیت در قالب مادی به معنای مضبوط بودن اثر به صورت کتبی یا به هر شکل دیگر است.^۲ این شرط، تنها در نظام کامن‌لا لازم دانسته شده است^۳ و در نظام حقوق نوشته، تثبیت اثر در قالب مادی از شروط حمایت نیست؛ به این ترتیب، حمایت از نمودهای فرهنگ عامه در کشورهایی با نظام کامن‌لا که تثبیت را یکی از شروط حمایت از اثر می‌دانند مشکل خواهد بود؛ زیرا بسیاری از این نموده‌ها مانند ترانه‌ها و داستان‌های مردمی صرفاً در حافظه جمعی قرار داشته و هیچ شکل مادی و مضبوطی ندارند. در اینجا نیز پیشنهاد شده است که شرط تثبیت در قالب مادی نسبت به نمودهای فرهنگ عامه اعمال نشود. این نموده‌ها، بخشی از میراث فرهنگی را تشکیل می‌دهند و ماهیت واقعی آنها در انتقال یافتنشان به صورت شفاهی یا بصری از نسلی به نسل دیگر قرار دارد؛ بنابراین در صورت لزوم ادامه این شرط، حقوق ادبی و هنری این آثار، ممکن است به شخصی تعلق یابد که نخستین گام را برای تثبیت آنها برداشته است که الزاماً مالک و دارنده آن نیز نیست؛ لذا در صورتی که قرار باشد حمایت حقوق ادبی و هنری به این آثار تعلق گیرد؛ ضرورت نوشتن، یادداشت، چاپ، ضبط و انتشار اثر باید نسبت به آن‌ها برداشته شود.^۴

حتی اگر نمودهای فرهنگ عامه‌ی موجود، در قالبی ملموس و مادی نیز تثبیت شود؛ مشکل به طور کامل حل نخواهد شد. از آنجایی که فولکلور به عنوان میراثی زنده و در حال تکامل، در روند استفاده اعضای جامعه به طور مداوم تغییر می‌کند؛ دیگر همان اثری که زمانی در قالب مادی تثبیت شده است نخواهد بود؛ بنابراین باز هم شرط تثبیت برآورده نخواهد شد؛^۵ چرا که آنچه در حقیقت مورد حمایت است؛ دقیقاً همان اثری است که تثبیت شده و چنانچه در طی زمان، اثر مذکور دچار تحولات و تغییراتی شده و به شکلی دیگر در آید از حمایت برخوردار نخواهد شد. با این وجود، در مورد آثاری که مدام تغییر شکل می‌دهند و نمودهای فرهنگ عامه را نیز به نحوی می‌توانیم جزو

1. Fixation

2. Bently & Sherman, op.cit., p.86

۳. به عنوان مثال در بند ۲ ماده‌ی ۳ قانون کپی‌رایت، طرح‌ها و اختراعات انگلیس مصوب ۱۹۸۸

4. Kamal Puri, (1998), op.cit., p.18

5. Silke Von Lewinski, op.cit., p.758

مقاله ۴. بررسی قابلیت حقوق مالکیت ادبی و هنری در حمایت از نمودهای فرهنگ عامه ۸۹

آنها بدانیم، نظر بر این است که این آثار تا زمانی که تثبیت و ضبط شده‌اند؛ مورد حمایت هستند حتی اگر متعاقباً نیز تغییر یابند.^۱

از طرفی حتی نمودهای «تثبیت شده‌ی» معینی نیز وجود دارند که ممکن است حائز شرط تثبیت در قالب مادی به مفهومی که در حقوق ادبی و هنری به کار می‌رود؛ نباشند مانند نقاشی بر روی صورت و بدن.^۲ به عنوان مثال در استرالیای مرکزی، بیشتر هنر سنتی، به صورت طراحی بر روی زمین نمود پیدا می‌کند که برای جشن‌ها و مراسم خاص ایجاد می‌شود.^۳ اگرچه می‌توان این آثار را به نحوی تثبیت شده دانست؛ اما تثبیت در حقوق ادبی و هنری، معنایی متفاوت دارد و در صورت شرط دانستن آن، بسیاری از نمودهای فولکلور از حیطه شمول تحت قوانین ادبی و هنری خارج می‌شوند.

۴. طول مدت حمایت

در نظام‌های حقوق مالکیت فکری اعم از کامن‌لا و حقوق نوشته، طول مدت حمایت از آثار، نامحدود نیست و پس از انقضای این مدت، اثر از حمایت خارج شده، وارد حوزه عمومی می‌شود و استفاده از آن برای همگان آزاد خواهد بود. حمایت از حقوق مادی آثار در هر دو نظام دارای این محدودیت است؛ اما در مورد حقوق معنوی باید گفت این حقوق به‌ویژه در کشورهای دارای نظام حقوق نوشته که آن را کاملاً به رسمیت شناخته‌اند، محدودیت زمانی ندارد؛ اما در کشورهای دارای نظام کامن‌لا مدت حمایت از حقوق معنوی نیز محدود است.^۴

در مقابل، یک نمود فرهنگ عامه، پیش از آنکه مهجور و فراموش شود می‌تواند برای قرن‌ها وجود داشته باشد؛ بنابراین غیرممکن است که حمایت از آن به نظام‌های دارای محدودیت زمانی مالکیت فکری محدود شود. حتی اگر نمودهای فرهنگ عامه، این طول عمر و دیرپایی را نداشتند، ایجاد چارچوبی برای تعیین یک دوره‌ی حمایتی مناسب، مشکل بود؛ زیرا ماهیت تکامل آهسته و کند

1. Bently & Sherman, op.cit., p.88

2. WIPO, op.cit., p.37

3. Kamal Puri, (1998), op.cit., p.9

۴. به عنوان مثال می‌توان به قوانین فرانسه و انگلیس اشاره کرد. ماده‌ی L121-1 قانون مالکیت فکری فرانسه، حقوق معنوی را دائمی می‌داند اما در مقابل، قانون کپی‌رایت، طرح‌ها و اختراعات ۱۹۸۸ انگلیس در ماده ۸۶ مدت حمایت از این حقوق را بسته به مورد، تا زمان انقضای کپی‌رایت اثر و یا به مدت ۲۰ سال پس از فوت پدیدآورنده در نظر گرفته است.

فولکلور، تعیین دقیق اینکه در چه زمانی یک نمود فرهنگ عامه برای اولین بار خلق شده است را غیرممکن می‌سازد. به علاوه، منشأ مشترک و جمعی فولکلور، مانع از تعیین شخصی می‌شود که بر اساس زندگی و عمر او مدت حمایت را بتوان مشخص کرد.^۱

به دلایل فوق، بسیاری از محققان، مدت حمایت در نظر گرفته شده پس از مرگ پدیدآورنده که در قوانین ادبی و هنری برای آثار مورد حمایت مقرر شده را در رابطه با نمودهای فرهنگ عامه، بسیار ناکافی دانسته‌اند و معتقدند در صورتی که محدودیت زمانی حمایت در قوانین حمایت از آثار ادبی و هنری به آثار فولکلور نیز تسری یابد؛ این احتمال وجود دارد که در دهه‌های آتی، نمودهای فولکلور ثبت و ضبط شده و انتشار یافته در بازارها قابل خرید و فروش باشند و افراد غیر بومی، مالک آثار فرهنگی، زبان و تاریخ بومی و سنتی شوند؛^۲ زیرا پس از پایان مدت حمایت، اثر وارد حوزه عمومی شده و استفاده از آن برای تمام افراد، بلامانع خواهد بود.

بنابراین محدودیت زمانی حمایت در قوانین ادبی و هنری، یکی از مهم‌ترین کاستی‌های این حقوق در حمایت از نمودهای فولکلور است و به نظر می‌رسد باید این آثار را از شرط مذکور، مستثنی کرد؛ همچنان که در اکثر نظام‌هایی که حمایت از نمودهای فرهنگ عامه را در قالب حقوق ادبی و هنری تمهید می‌نمایند؛ از مفاد مواد مختلفی می‌توان استنباط نمود که طول مدت حمایت برای آن‌ها دائمی در نظر گرفته شده است.^۳

چنانکه ملاحظه شد، برخی از مؤلفه‌های اساسی نظام حقوق ادبی و هنری در خصوص نمودهای فرهنگ عامه تحقق نمی‌یابند؛ از این رو، چنانچه هدف، حمایت از نمودهای مزبور در قالب این نظام حقوقی باشد، لازم است که آن‌ها را از تطبیق با شروط مذکور معاف نمود. با این وجود، حتی اگر حمایت از نمودهای فرهنگ عامه در قالب نظام حقوق ادبی و هنری ممکن باشد، پرسشی اساسی‌تر مطرح می‌شود و آن، هدف غایی و مطلوب در حمایت از هر یک از این دو دسته از آثار است. نظام‌های حقوق مالکیت فکری اصولاً در پی ایجاد انگیزه برای خلق و نوآوری بوده و هدف نظام حقوق ادبی و هنری به عنوان شاخه‌ای از آن، حمایت از شخص پدیدآورنده خلاق به ویژه از طریق

1. Paul Kuruk, op.cit., p.27

2. Kamal Puri, (1998), op.cit., p.19

3. International Bureau of WIPO, op.cit., p.3

شناسایی حقوق مادی و معنوی برای اوست. این در حالی است که بهره‌برداری اقتصادی و تجاری‌سازی نمودهای فرهنگ عامه برای جوامع سنتی و بومی در درجه‌ی اول اهمیت قرار ندارد. بالعکس، هدفی که جوامع مزبور در حمایت از نمودهای فرهنگ عامه می‌جویند در درجه اول، حمایت و حفظ میراث فرهنگی آن‌ها است. آنچه برای ایشان اهمیت دارد جلوگیری از استفاده از نمودهای فرهنگ عامه به ویژه نمودهای مقدس توسط افراد غیربومی است. در این میان، انتساب نادرست منشأ نموها به دیگر اقوام را باید از دیگر دغدغه‌هایی برشمرد که لزوم حمایت از نمودهای فولکلور را آشکار می‌سازد. دغدغه‌های مالی و اقتصادی اگرچه در حمایت از نمودهای فولکلور در درجه‌ی اول اهمیت قرار ندارند؛ اما نمی‌توان انکار کرد که سلب مالکیت از جوامع سنتی و بومی و تجاری‌سازی نمودهای متعلق به آن‌ها بدون اینکه سودی از آن نصیب ایشان شود نیز از جمله مضللات مهمی بوده است که این جوامع با آن دست به گریبان بوده‌اند؛ از این‌رو، اختصاص دادن سهم منصفانه‌ای از عواید حاصل از تجاری‌سازی نمودهای فرهنگ عامه به مردمان و اقوام بومی را باید از جمله دغدغه‌های مهم موجود در حمایت از این نموها دانست. و سرانجام، با حمایت از این نموها باید به مردمان بومی این امکان را داد تا بتوانند همچنان در بستر زندگی سنتی خود به استفاده از نمودهای فرهنگی خود ادامه دهند.^۱

علی‌رغم ایراداتی که در خصوص مؤلفه‌های حمایت در نظام حقوق ادبی و هنری و هدف از حمایت از آثار در آن بیان شد؛ بسیاری از نظام‌های حقوقی، آن را به عنوان راهکاری برای حمایت از نمودهای فرهنگ عامه برگزیده‌اند. اولین بار، موضوع حمایت از نمودهای فرهنگ عامه در سطح بین‌المللی در کنفرانس استکهلم ۱۹۶۷ با پیشنهاد راهکاری برای اصلاح «کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری»^۲ مطرح شد.^۳

1 Sackey, Emmanuel K. A, Kasilo, Ossy MJ, Intellectual Property Approaches to the Protection of Traditional Knowledge in the African Region, The African Health Monitor, Special Issue 13, Decade of African Traditional Medicine 2001 – 2010, August 2010, p.95; Blakeney, Michael, What Is Traditional Knowledge? Why Should It Be Protected? Who Should Protect It? For Whom?: Understanding The Value Chain, WIPO Roundtable on Intellectual Property and Traditional Knowledge, WIPO/IPTK/RT/99/3, 1999, p.4

2. Berne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works of 1886

3. WIPO, Records of the Intellectual Property Conference of Stockholm (1967), WIPO Publication No.311(E), WIPO 1971, Reprinted 1997, p.690-691

راهکار مزبور عبارت بود از الحاق بند ۴ به ماده ۱۵^۱ کنوانسیون با این مضمون که در مورد آثار منتشر نشده، وقتی هویت مؤلف، ناشناخته است؛ اما شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد او تبعه یکی از کشورهای عضو اتحادیه است؛ آن کشور به لحاظ قانونی وظیفه دارد مرجع صالحی را برای محافظت از حقوق او در کشورهای عضو اتحادیه، تعیین و معرفی نماید.

بند ۴ ماده ۱۵ کنوانسیون برن البته با انتقادهایی نیز مواجه شده است. برخی آن را برای حمایت از فولکلور، ناکافی می‌دانند؛ چرا که این ماده به طور ویژه، موضوع فولکلور را مطرح نکرده و نمی‌تواند تعارض اساسی بین مفاهیم بومی و غیربومی مالکیت را - که باعث بروز این مشکل شده است - برطرف کند.^۲ از طرف دیگر، حمایت از نمودهای فولکلور، تحت عنوان «آثار منتشر نشده»، راه حل مناسبی نیست؛ زیرا بعد از اتمام مدت ۵۰ سال پس از انتشار، حمایت از آن‌ها خاتمه می‌یابد. ماهیت نمودهای فرهنگ عامه پس از «انتشار» تغییر نمی‌کند و کماکان همان پدیده جاودانی و همیشگی باقی می‌ماند؛ بنابراین چنانچه شایسته حمایت هستند، این حمایت نیز باید به همان صورت، همیشگی و مداوم باشد؛^۳ علاوه بر این، اگرچه بند ۴ برای حمایت از نمودهای فولکلور به صورتی طراحی شد که دیگر نیازی به تعیین یک پدیدآورنده مشخص نباشد؛ اما همچنان با ایرادی جدی مواجه است. موضوع بند ۴، پدیدآورنده‌ای است که فقط هویت وی قابل تعیین نیست و اصولاً این بند، مبتنی بر مفهوم پدیدآورندگی فردی است. این مفهوم با پدیدآورندگی جمعی که در خصوص نمودهای فرهنگ عامه پذیرفته‌ایم، مغایرت دارد و برخی، آن را از عمده‌ترین دلایلی می‌دانند که کنوانسیون برن در حمایت از نمودهای فرهنگ عامه، ناموفق بوده است.^۴

پیش از این، شرط وجود اصالت در اثر را به عنوان یکی از موانع نظام‌های حقوق ادبی و هنری در حمایت از نمودهای فرهنگ عامه برشمردیم. به موضوع «اصالت» در کنوانسیون برن اشاره نشده است؛ اما از آنجا که اکثر مفسرین معتقدند وجود اصالت در همه‌ی آثار فکری لازم است؛ آثار فکری

1. Article 15: Right to Enforce Protected Rights

2. Joseph Githaiga, op.cit., p.12

3. Ficsor, Mihály, The Protection of Folklore, WIPO National Seminar on Intellectual Property, WIPO/IP/TIP/03/12, p.3

4. Silke Von Lewinski, op.cit., p.752

مقاله ۴. بررسی قابلیت حقوق مالکیت ادبی و هنری در حمایت از نمودهای فرهنگ عامه ۹۳

موضوع این کنوانسیون را نیز مشمول این شرط دانسته و معتقدند کنوانسیون برن از این لحاظ نیز در حمایت از نمودهای فولکلور با مشکل مواجه است.^۱

علی‌رغم این کاستی‌ها، هدف از اصلاح کنوانسیون برن در سال ۱۹۷۱ این بود که کشورهای عضو را قادر سازد «مرجعی صالح» برای نظارت بر صدور مجوز بهره‌برداری، استفاده و حمایت از «فولکلور» ملی، تعیین نمایند. هرچند این موضوع نیز با اعتراض مردمان بومی مواجه شد؛ زیرا آن‌ها با اداره امور مربوط به فرهنگ عامه خود به عنوان بخشی از دارایی ملی، توسط دولت و عواید و حق‌الامتیازهایی که در قبال استفاده از فولکلور، به دولت به جای جوامع بومی پرداخته می‌شود، مخالف هستند. این مخالفت اگرچه بجا است؛ اما نباید از یاد برد که هر دولتی می‌تواند مطابق با کنوانسیون برن، اختیارات مربوط به تعریف، حمایت و صدور مجوز بهره‌برداری از فولکلور را به خود مردمان بومی به عنوان نماینده، واگذار کند.^۲

توجه به موضوع فرهنگ عامه در سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو) ادامه یافت تا اینکه در سال ۲۰۰۰ در بیست و پنجمین جلسه مجمع عمومی وایپو، سندی تنظیم شد که از کشورهای عضو دعوت می‌نمود ایجاد یک کمیته بین‌الدولی راجع به مالکیت فکری و منابع ژنتیکی، دانش سنتی و فولکلور را مدنظر قرار دهند. این پیشنهاد مبنی بر ایجاد مجمعی توسط این کمیته بود که کشورهای عضو بتوانند در آنجا درباره سه موضوع یاد شده، بحث و گفتگو نمایند. پیشنهاد مزبور طبیعتاً با استقبال اعضا مواجه شد و بدون مخالفت هیچ کدام از آن‌ها به تصویب رسید^۳ و سرانجام، «کمیته بین‌الدولی مربوط به مالکیت فکری و منابع ژنتیکی، دانش سنتی و فولکلور»^۴ در اواخر سال ۲۰۰۰ تشکیل شد. کمیته مربوطه مستمراً جلساتی برای یافتن راهکار حمایتی مطلوب برای حمایت از نمودهای فرهنگ عامه برگزار نموده است.

1. WIPO, (2003), op.cit., p.37

2. UN Commission on Human Rights, Sub-Commission on Prevention of Discrimination and Protection of Minorities, Discrimination Against Indigenous Peoples, Forty-fifth session, Item 14 of the provisional agenda, No.132

3. Graham Dutfield, op.cit., p.15

4. Intergovernmental Committee on Intellectual Property and Genetic Resources, Traditional Knowledge and Folklore (IGC Committee)

در نظام حقوقی ایران نیز موضوع حمایت از آثار فولکلور در قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان که در سال ۱۳۴۸ یعنی تنها سه سال پس از اصلاحات صورت گرفته در کنوانسیون برن در سال ۱۹۶۷ تصویب شد، در بند ۱۰ ماده ۲ قابل ملاحظه است. قانون مزبور، تعریفی از مفهوم فولکلور ارائه نمی دهد و به طور عام در بند ۱۰ به «اثر ابتکاری که بر پایه فرهنگ عامه (فولکلور) یا میراث فرهنگی و هنر ملی پدید آمده باشد» و به نحو خاص در بند ۹ این ماده به «اثر ابتکاری مربوط به هنرهای دستی یا صنعتی و نقشه قالی و گلیم» به عنوان مصادیقی از نموده های فولکلور، اشاره دارد.^۱

بدین ترتیب، به نظر می رسد آنچه که مطابق بند ۱۰، مشمول حمایت قرار گرفته است، به عبارتی، اثر ابتکاری مبتنی بر فولکلور است و نه خود نمود فولکلور یا فرهنگ عامه. برخی از نظام های حقوقی، بین فولکلور از پیش موجود و اثر ابتکاری مبتنی بر آن تمیز قائل می شوند و معتقدند فرهنگ سنتی از پیش موجود (فولکلور در مفهوم مضیق)، آن بخش از فرهنگ است که سنتی، مشترک بین یک یا چند گروه یا اجتماع و از لحاظ پدیدآوردگی، دارای منشأ و مبدأ بی نام و ناشناخته است و با آثار و محصولات ادبی و هنری که توسط نسل های معاصر جامعه خلق شده و مبتنی بر یا مشتق از فرهنگ سنتی یا فولکلور از پیش موجود هستند، تفاوت دارند؛^۲ بنابراین آثار مبتنی بر فولکلور، در حقیقت، گونه ای از آثار ادبی و هنری هستند که فولکلور، بن مایه و زمینه آنها قرار گرفته است و دلیل حمایت از آنها، مبتنی بر فولکلور بودنشان نیست؛ بلکه همانند سایر آثار ادبی و هنری، به خودی خود، شایسته حمایت هستند.

ظاهر عبارت بند ۱۰ که در آن از قید «مبتنی» استفاده شده است؛ همچنین قرار دادن شرط «ابتکاری» بودن اثر (که روشن است در مورد نموده های فولکلور تحقق نمی یابد)، می تواند دال بر این باشد که مقصود قانونگذار ما نیز تنها حمایت از آثار اصیل و معاصر الهام گرفته از فولکلور است؛ اما

۱. طارم سیری، مسعود، حمایت حقوقی از نقشه های فرش دستیاف ایرانی به عنوان نمودی از فولکلور در مقابل تقلید، همایش بین المنطقه ای سازمان جهانی مالکیت فکری در خصوص مالکیت فکری و منابع ژنتیک، دانش سنتی و فولکلور، اصفهان ۲۶ تا ۲۸ خرداد ۱۳۸۲، ص ۱۲

2. International Bureau of WIPO, RoundTable on Intellectual Property and the Protection of Traditional Knowledge, Genetic Resources and Cultural Expressions of Folklore, Uganda, 2003, WIPO Doc. WIPO/IPTK/KLA/03/1a, p.19

چنانچه عبارت به کار رفته در بند ۱۰ ماده ۲ را آثار مبتنی بر فولکلور و الهام گرفته از آن بدانیم و به عبارت دیگر، مقصود قانونگذار را آثاری ابتکاری بدانیم که همانند سایر آثار مورد حمایت این قانون هستند؛ اما ویژگی آنها این است که مبتنی بر فولکلور هستند، آنگاه این بند، زائد خواهد بود؛ چرا که به عنوان مثال، ترانه‌ای که موضوع و مایه آن، فولکلوریک و مردمی است و به عبارت دیگر ترانه‌ای است مبتنی بر یک نمود فرهنگ عامه، نه به این دلیل که مبتنی بر فولکلور است؛ بلکه به این دلیل که یک اثر موسیقایی است، مطابق بند ۴ ماده ۲، مورد حمایت قرار می‌گیرد. به علاوه لزومی ندارد که قانونگذار، به موضوعات، بن‌مایه‌ها و زمینه‌های آثار نیز اشاره کند. همچنان که یک اثر موسیقی مانند یک ترانه می‌تواند موضوعی اجتماعی، فلسفی یا عاطفی داشته باشد؛ ممکن است موضوعی فولکلوریک داشته باشد و اساساً تصریح به این امر، آن هم در بندی جداگانه، از حیطه قانونگذاری، خارج به نظر می‌رسد و بعید است که قانونگذار، بندی را به بیان مطلبی که خارج از حدود تقنین وی است، اختصاص دهد. قید «ابتکاری» نیز که با وجود تصریح مقنن در ماده ۱ قانون، تقریباً در نیمی از بندها تکرار شده است؛ در حقیقت، تنها، نشان‌دهنده تأکید وی بر این شرط است. این تأکید و تکرار نابجا هنگامی که با عدم توجه قانونگذار به ویژگی‌های ذاتی فولکلور از جمله اینکه نوآوری و ابتکار در آن راه ندارد، آمیخته شده، تفسیر این بند را دشوارتر کرده است.

به این ترتیب، قانون سال ۱۳۴۸ تفاوت بین آثار فولکلور و آثار مبتنی بر آن را مدنظر قرار نداده است. از طرفی، علت به کار بردن عبارت آثار مبتنی بر فولکلور، مشخص نیست. شاید عبارت مذکور، ترجمه‌ای نادرست از یک منبع بیگانه بوده و یا سهواً چنین عبارتی در متن قانون قرار گرفته است. از بررسی متون مربوط به مشروح مذاکرات مجلس در هنگام تصویب این قانون نیز نتیجه‌ای برای نگارنده به دست نیامده است. با این حال شاید بهتر باشد این اشتباه فاحش را نادیده گرفته و منظور قانونگذار را همان نمودهای فولکلور بدانیم؛ چرا که اگر مقصود وی حمایت از نمودهای فولکلور نبود؛ لازم نبود بندی را به آن اختصاص دهد و پیدا است نیت خاصی از اختصاص بندی مجزا به این موضوع داشته است؛ همچنین شاید بتوان گفت با توجه به اینکه زمان تصویب قانون مذکور نیز به فاصله کمی از زمان اصلاح کنوانسیون برن و نخستین تلاش‌های بین‌المللی برای حمایت از نمودهای فولکلور بوده، مقصود و انگیزه قانونگذار ما نیز احتمالاً حمایت از همین آثار در قالب نظام حقوق ادبی

و هنری بوده است. در سومین نشست «کمیته بین‌الدولی مربوط به مالکیت فکری و منابع ژنتیکی، دانش سنتی و فولکلور» در سال ۲۰۰۲ نیز نماینده ایران اظهار داشته است که آثار فولکلور به سادگی به عنوان شکلی از آثار ادبی و هنری تلقی می‌شوند و اکثر قواعد معمول حقوق ادبی و هنری، نسبت به آنها نیز اعمال می‌شود.^۱

با این حال قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ نیز همانند قوانین حمایت از حقوق ادبی و هنری سایر کشورها، در حمایت از نمودهای فرهنگ عامه با همان محدودیت‌هایی مواجه است که پیش از این به آن‌ها اشاره کردیم. چنانچه قانونگذار در صدد ابقای حمایت از نمودهای فرهنگ عامه تحت ساز و کارهای نظام حقوق ادبی و هنری باشد؛ لازم است اصلاحاتی را در این باره در قانون سال ۴۸ اعمال نماید.^۲

با این حال، با توجه به کاستی‌هایی که درباره‌ی نظام حقوق ادبی و هنری در حمایت از نمودهای فرهنگ عامه گفته شد و در عدم موفقیت کنوانسیون برن و قانون سال ۱۳۴۸ ایران نیز مبرهن است؛ این پرسش مطرح می‌شود که اساساً چه لزومی دارد نمودهای مزبور تحت حمایت نظام حقوق ادبی و هنری قرار داده شود و از یک طرف با مشقت بسیار به دنبال اصلاح آن برای حمایت از این آثار بود و از سوی دیگر، استثنائات زیادی را به ساختار این نظام وارد نمود که منجر به ورود خلل به بنیان و مؤلفه‌های اصلی حمایتی آن می‌شود؟ شاید به همین دلیل است که برخی از نظام‌های حقوقی نیز در پی طراحی یک نظام حمایتی ویژه^۳ برآمده‌اند که دغدغه‌های خاص موجود در حمایت از این نمودها و ویژگی‌های خاص آن‌ها را مدنظر قرار می‌دهد.

Sui generis عبارتی است لاتین به معنی «از نوع خود». نظام سوئی جنریس، نظامی است که به طور خاص و ویژه برای پرداختن و مدنظر قرار دادن نیازها و دغدغه‌های یک موضوع خاص،

1. WIPO Intergovernmental Committee on Intellectual Property and Genetic Resources, Traditional Knowledge and Folklore, Third Session, Final Report on National Experiences with the Legal Protection of Expressions of Folklore, Geneva, June 13 to 21, 2002, Annex I, p.2

۲. غفوری، زینب، حمایت از نمودهای فرهنگ عامه (فولکلور) در حقوق مالکیت فکری، جنگل: جاودانه، ۱۳۸۹، صص ۱۴۲-۱۴۰

3. Sui Generis System

مقاله ۴. بررسی قابلیت حقوق مالکیت ادبی و هنری در حمایت از نمودهای فرهنگ عامه ۹۷

طراحی شده است.^۱ بحث راجع به اتخاذ یک ابزار جداگانه برای حمایت از نمودهای فرهنگ عامه، ناشی از این واقعیت بی‌چون و چرا است که فولکلور دارای یک نظام خاص و ویژه است و علی‌رغم شباهت‌هایی که به موضوعات تحت حمایت حقوق ادبی و هنری دارد؛ به نحوی متفاوت به وجود آمده، به مالکیت در می‌آید و استفاده می‌شود. برخلاف نظام‌های مالکیت فکری، فولکلور به منظور ایجاد منافع اقتصادی برای پدیدآورندگان شخصی آن، طراحی نشده است؛ بلکه مقصود از آن بهره‌برداری جمعی و اشتراکی است؛ بنابراین برخی بر این عقیده‌اند که سعی برای انطباق فولکلور با قالب‌های خشک و انعطاف‌ناپذیر حقوق مالکیت فکری، نامعقول می‌نماید.^۲ بالعکس، وضع یک رژیم حمایتی ویژه به قانونگذاران این اجازه را می‌دهد که با مشکل، به صورت جامع‌تری برخورد نمایند و در همان حال از ایجاد تغییرات کلی و عمده در رژیم‌های حمایتی موجود نیز جلوگیری کنند (غفوری، ۱۳۸۹: ۱۲۲-۱۲۱).

واقعیات مزبور را می‌توان در روند تحولات راهکارهای پیشنهادی در کمیته‌ی بین‌الدولی راجع به مالکیت فکری و منابع ژنتیکی، دانش سنتی و فولکلور نیز ملاحظه کرد. کمیته مزبور در سی و چهارمین اجلاس خود که از ۲۲ تا ۲۶ خرداد ماه ۱۳۹۶ در ژنو برگزار شد؛ پیش‌نویس مربوط به حمایت از نمودهای فرهنگ عامه را به بحث و بررسی اعضا گذاشت که در حقیقت، تلاشی برای ایجاد یک رژیم حقوقی ویژه برای حمایت از نمودهای فرهنگ عامه است. در سطح داخلی نیز توجه به یک رژیم حمایتی ویژه را می‌توان در پیش‌نویس لایحه حمایت از نمودهای فرهنگ عامه (فولکلور) که اخیراً توسط وزارت دادگستری تهیه شده است ملاحظه کرد و می‌توان آن را سرآغازی دانست برای پی‌ریزی یک نظام حمایتی که به نحو شایسته قادر به حفاظت و حمایت از حقوق مردم و جوامع بومی و فولکلور ملی باشد.

1. WIPO, Intellectual Property Needs and Expectations of Traditional Knowledge Holders, WIPO Report on Fact-Finding Missions on Intellectual Property and Traditional Knowledge (1998-1999), WIPO, Geneva, April 2001, p.24

2. Paul Kuruk, op.cit. P.66-67.

نتیجه‌گیری

به دلیل شباهت بسیار زیاد نموده‌های فرهنگ عامه و آثار تحت حمایت نظام حقوق ادبی و هنری، نظام مذکور در وهله اول، نظامی بسیار مناسب برای حمایت از این نمودها به نظر می‌رسد؛ اما همان طور که بیان شد برخی از ویژگی‌ها و شروطی که برای حمایت از اثر در نظر گرفته و لازم دانسته شده است؛ در مورد نموده‌های فولکلور تحقق نمی‌یابد؛ از این رو، کشورهای گوناگون در حمایت از این آثار به وسیله حقوق ادبی و هنری با مشکل مواجه شده‌اند. عدم امکان تعیین شخص پدیدآورنده و در پی آن دارنده حق در مورد نموده‌های فولکلور، یکی از مشکلاتی است که وجود دارد. در حقوق ادبی و هنری تعیین شخصی که پدیدآورنده اثر باشد و بتوان حقوق مادی و معنوی ناشی از اثر را برای او در نظر گرفت (که معمولاً خود پدیدآورنده است)، ضروری است. از طرفی، وجود ابتکار و اصالت در یک اثر ادبی و هنری، یکی از شروط حمایت از آن اثر است و همان طور که گفته شد نموده‌های فولکلور معمولاً به همان صورتی که از نسل‌های پیش، گرفته شده‌اند، انتقال داده می‌شوند و حتی اگر نوآوری و ابتکاری نیز گاهی در آن صورت می‌گیرد؛ آن قدر کم‌رنگ است و در طی فرآیندی آهسته انجام می‌پذیرد که اصالت به معنایی که در حقوق ادبی و هنری لازم است، تلقی نمی‌شود. به علاوه در نظام کامن‌لا تثبیت اثر در قالب مادی شرط است؛ حال آنکه بسیاری از نموده‌های فولکلور به صورت شفاهی و بصری و به وسیله تقلید، از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند و در نهایت باید گفت حقوق ادبی و هنری، مدت زمان محدودی را برای حمایت از آثار در نظر می‌گیرند. این محدودیت در رابطه با نموده‌های فولکلور که دوام و انتقال در طی سالیان متمادی از ویژگی‌های ذاتی آنها است؛ به صورت یکی از مهم‌ترین موانع اعمال حقوق ادبی و هنری نسبت به این آثار در آمده است.

توجه به این کاستی‌های نظام حقوق ادبی و هنری در حمایت از نموده‌های فرهنگ عامه و تفاوت در اهدافی که از حمایت جستجو می‌شود؛ موجب شده است که بسیاری از نظام‌های حقوقی به سمت تعیین و وضع یک رژیم حمایتی ویژه برای این آثار گرایش یابند. این رویکرد را به‌ویژه می‌توان در تلاش‌های اخیر کمیته بین‌الدولی راجع به مالکیت فکری و منابع ژنتیکی، دانش سنتی و فولکلور ملاحظه کرد و به نظر می‌رسد نظام حقوقی ایران را نیز باید به این سو تشویق کرد. علی‌رغم کاستی‌هایی که ممکن است در پیش‌نویس اخیر وزارت دادگستری به چشم آید؛ باید آن را به عنوان

مقاله ۴. بررسی قابلیت حقوق مالکیت ادبی و هنری در حمایت از نمودهای فرهنگ عامه ۹۹

نخستین تلاش در راستای بنیان نهادن یک نظام ویژه برای حمایت از نمودهای فرهنگ عامه مورد توجه قرار داده و آن را به عنوان گامی مؤثر در حمایت از این نمودها تلقی نمود.

فهرست منابع

منابع فارسی

- قوانین و مقررات
- قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸

کتاب و مقالات

۱. طارم‌سری، مسعود (۱۳۸۲): «حمایت حقوقی از نقشه‌های فرش دستباف ایرانی به عنوان نمودی از فولکلور در مقابل تقلید»، همایش بین‌المنطقه‌ای سازمان جهانی مالکیت فکری در خصوص مالکیت فکری و منابع ژنتیک، دانش سنتی و فولکلور، اصفهان ۲۶ تا ۲۸ خرداد.
۲. غفوری، زینب (۱۳۸۹): حمایت از نمودهای فرهنگ عامه (فولکلور) در حقوق مالکیت فکری، تهران: جنگل - جاودانه.

English Sources

1. Berne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works of 1886
2. France Intellectual Property Code (As Last Amended on 7 June 2017)
3. UK Copyright, Designs and Patents Act of 1988
4. Books, Articles & Documents
5. Bently, Lionel, Sherman, Brad, Intellectual Property Law, Oxford University Press, Second Edition, 2004
6. Blakeney, Michael, What Is Traditional Knowledge? Why Should It Be Protected? Who Should Protect It? For Whom?: Understanding The Value Chain, WIPO Roundtable on Intellectual Property and Traditional Knowledge, WIPO/IPTK/RT/99/3, 1999
7. Dutfield, Graham, Protecting Traditional Knowledge and Folklore, A review of progress in diplomacy and policy formulation,

- UNCTAD-ICTSD Project on IPRs and Sustainable Development, Issue Paper No.1, 2003, [Online], [Last visited June 25, 2017]; Available at:
http://www.ictsd.org/downloads/2008/06/cs_dutfield.pdf
8. Ficsor, Mihály, The Protection of Folklore, WIPO National Seminar on Intellectual Property, WIPO/IP/TIP/03/12, [Online]; [Last visited June 28, 2017], Available at:
http://www.wipo.int/edocs/mdocs/arab/en/2003/ip_tip/pdf/wipo_ip_tip_03_12.pdf
 9. Githaiga, Joseph W., Intellectual Property Law and the Protection of Indigenous Folklore and Knowledge, Murdoch University Electronic Journal of Law, Volume 5, No. 2, 1998
 10. International Bureau of WIPO, Intellectual Property Protection of Expressions of Folklore: Attempts at the International Level, 1998, [Online], [Last visited June 25, 2017], Available at:
<http://itt.nissat.tripod.com/itt9903/folklore.htm>
 11. International Bureau of WIPO, RoundTable on Intellectual Property and the Protection of Traditional Knowledge, Genetic Resources and Cultural Expressions of Folklore, Uganda, 2003, WIPO Doc. WIPO/IPTK/KLA/03/1a
 12. Kuruk, Paul, Protecting Folklore under Modern Intellectual Property Regimes: A Reappraisal of the Tensions Between Individual and Communal Rights in Africa and the United States, American University Law Review 48, 1999.
 13. Kutty, Valsala G., National Experiences With the Protection of Expressions of Folklore/Traditional Cultural Expressions: India, Indonesia and the Philippines, Published as WIPO document: WIPO/GRTKF/STUDY/1, 2002, [Online], [Last visited June 26, 2017]; Available at:
http://www.wipo.int/edocs/pubdocs/en/tk/912/wipo_pub_912.pdf
 14. Mould-Iddrisu, Betty, Preservation and Conservation of Expressions of Folklore: The Experience of Africa, UNESCO-WIPO World

- Forum on the Protection of Folklore, Thailand, 1997, Doc.UNESCO-WIPO/FOLK/PKT/97/1
15. Palethorpe, Stephen, Verhulst, Stefaan, Report on the International Protection of Expressions of Folklore Under Intellectual Property Law, Programme in Comparative Media Law and Policy, University of Oxford, 2000, [Online], [Last visited June 26, 2017], Available at:
- http://ec.europa.eu/internal_market/copyright/docs/studies/etd2000b53001e04_en.pdf
16. Puri, Kamal, Is Traditional or Cultural Knowledge a Form of Intellectual Property?, Oxford Electronic Journal of Intellectual Property Rights, 2000
17. Puri, Kamal, Preservation and Conservation of Expressions of Folklore, Copyright Bulletin Vol. 32, No.4, 1998, UNESCO Publishing, [Online], [Last visited June 26, 2017]; Available at: <http://unesdoc.unesco.org/images/0011/001162/116222Eb.pdf>
18. Sackey, Emmanuel K. A, Kasilo, Ossy MJ, Intellectual Property Approaches to the Protection of Traditional Knowledge in the African Region, The African Health Monitor, Special Issue 13, Decade of African Traditional Medicine 2001 – 2010, August 2010
19. UNESCO Committee of Experts on the Legal Protection of Folklore, Study of the Various Aspects Involved in the Protection of Folklore, Tunis, 11-15 July 1977, [Online], [Last visited June 25, 2017]; Available at: <http://unesdoc.unesco.org/images/0002/000280/028098EB.pdf>
20. UN Commission on Human Rights, Sub-Commission on Prevention of Discrimination and Protection of Minorities, Discrimination Against Indigenous Peoples, Forty-fifth session, Item 14 of the provisional agenda, [Online], [Last visited June 28, 2017], Available at: <http://www.refworld.org/pdfid/3b00f4380.pdf>
21. Von Lewinski, Silke, The Protection of Folklore, Cardozo Journal of Int'l & Comp. Law, Vol.11, 2003

22. WIPO, Consolidated Analysis of the Legal Protection of Traditional Cultural Expressions/Expressions of Folklore, WIPO Background Paper No.1, 2004, [Online]; [Last visited June 26, 2017], Available at: http://www.wipo.int/edocs/pubdocs/en/tk/785/wipo_pub_785.pdf
23. WIPO, Intellectual Property Needs and Expectations of Traditional Knowledge Holders, WIPO Report on Fact-Finding Missions on Intellectual Property and Traditional Knowledge (1998-1999), WIPO, Geneva, April 2001, [Online], [Last visited June 28, 2017], Available at: http://www.wipo.int/edocs/pubdocs/en/tk/768/wipo_pub_768.pdf
24. WIPO, Records of the Intellectual Property Conference of Stockholm (1967), WIPO Publication No.311(E), WIPO 1971, Reprinted 1997
25. WIPO Intergovernmental Committee on Intellectual Property and Genetic Resources, Traditional Knowledge and Folklore, Third Session, Final Report on National Experiences with the Legal Protection of Expressions of Folklore, Geneva, June 13 to 21, 2002, WIPO/GRTKF/IC/3/10, [Online], [Last visited June 28, 2017], Available at: www.wipo.int